لیبرال ۷۱۸ فصل۴ سخن۲۴

من خدایی هستم! که تاجی و تختی به دست آورد، و شکوه‌مندی که عده‌ای آن را مسیح می‌دانند! و بعضی هم گاو بوفومت می‌شناسند؛ اما لقب شیطان توسط عده‌ی زیادی... ...زبان من به اندازه شمشیر دولبه تیز و برنده است و دست، پایم با نشان شروع آغاز می‌شود، و بر پیشانی‌ام چشمی نظاره‌گر چشمان دیگری‌ست! و دو جفت چشم دیگر مشتاق انسان گناه‌کار و نافرمان است.

لیبرال ۷۱۸ فصل۴ سخن۲۵

من هوروس هستم از بین ستون عاج مانند پاهایم به تو خیره و نظاره‌گر می‌شوم...

لیبرال ۷۱۸ فصل۴ سخن۱۴

من شیطان هستم آره نمی‌دانید! ، من به عمل‌های شما اعتقاد دارم و آگاه هستم. من نه تنها پادشاه جهنم می‌باشم! بلکه خداوند بزرگ شما هم هستم! که از بهشت می‌آید. عدد من ۳۵۹ (۳÷۵÷۹=۰٫۰۶۶۶، ۹-۵-۳=۱۱-) است نصف عدد مقرر شده بر این کتاب. باید آگاه باشید که نیمه متحد بر هم باشند.

لیبرال ۷۱۸ فصل۴ سخن۲۳

من خدای بزرگ شما هستم! ، بر تختی از جنس سنگ مرمر سفید نشسته‌ام، چشمان من در شب حالتی روشن و سفید دارد و مانند برف و نور خورشید درخشان و تابان است... دم من به مانند بینی مار تیز و پاهایم محکم در زمین نگاشته شده است.

لیبرال ۷۷ فصل۳ سخن۲۸

من قفل‌های برفی را خود را تکان می‌دهم نگاه کنید کولاک چشم‌گیر رخ می‌دهد! سرم را تکان می‌دهم و یک زلزله و سیل اتفاق می‌افتد! دستم را بر لبان خود می‌گذارم و زراعت و رودخانه‌ها را خشک می‌کنم! سینه‌هایم را با میخ به خودم می‌چسبانم و مصیبت، فتنه، خون‌ریزی در خیابان صورت می‌گیرد...!

لیبرال ۲۲۰ فصل۲ سخن۵۰

رنگ من آبی‌ست؛ و نو عروسم طلایی، درخششی قرمز در چشمانم است؛ و پولکانم ارغوانی سبزند.

لیبرال ۲۲۰ فصل۳ سخن۳تا۱۰

۳ -حال بگذار در ابتدا دانسته شود که من خدای جنگ و انتقام هستم. من به سختی با آن‌ها خواهم پرداخت.

۴ -برای خود منطقه‌ای برگزین!

۵ -از آن پاسداری کن!

۶ -به آن با ماشین جنگ نیرو بده!

۷ -به تو یک ماشین جنگ خواهم داد .

۸ -با آن بایست مردم را خرد کنی، نباید کسی در برابرت مقاومت آورد.

لیبرال ۷۱۸ فصل۱ سخن۱۰

کسانی که در برابر دستور من مقاومت می‌کنند ، آن‌هایی که اصرار دارند چسبیده به باطل خود باشند: شما باید آن‌ها را نابود کنید. بله آن‌ها و فرزندان‌شان و فرزندان فرزندان‌شان! این بلای جان ، این سم روح ، باید از بدن انسان بیرون کشیده شود. به رحمت و ترحم فکر نکنید ، زیرا در حالی که من خدای عشق هستم ، به همان اندازه عشق خود را به عنوان نفرت و عصبانیت ابراز می‌کنم: اجازه ندهید که یک ایده آل شما را از احساسات صادقانه باز نکند. اگر خشمگین هستید - به آن غضب عمل کنید! اگر عاشق هستید ، مطمئن باشید که آن را از ترس پنهان نکرده‌اید. ترس چیست؟ بندگان من آن را نمی‌دانند.

لیبرال ۷۱۸ فصل۱ سخن۱۲

مراسم من نباید کارهای کسل کننده باشد. همه باید تغذیه شوند. همه باید از شادی شرکت کنند. بگذار موسیقی پخش شود! و بگذارید این سرودهای مریض و پرحاشیه از کلیساهای غیر قابل باور سال‌های گذشته نباشند! بگذار موسیقی من بلند و آزاد باشد! بگذارید رقص وجود داشته باشد! و هم‌چنین نوشیدن شراب و مصرف دارو ... و با این‌حال همه شرکت می‌کنند.

لیبرال ۷۱۸ فصل۲ سخن۶

اجازه دهید مدارس و دانشگاه‌ها با معابد علم من یکی باشند. تحصیل کرده‌ها باید کاهنان و پادشاهان باشند...

لیبرال ۲۲۰ فصل۱ سخن۲۲

من بهشت هستم و خدای دیگری غیر از من و پروردگار من حدیت نیست

لیبرال ۲۲۰ فصل۳ سخن۴۶

من شما را به پیروزی و شادی می‌رسانم: من در جنگ به آغوش شما خواهم نشست که شما از کشتن خوشحال خواهید شد. موفقیت اثبات شماست؛ شجاعت زره شما است. بروید، به قدرت من ادامه به‌دهید، شما به هیچ‌وجه بر نه‌خواهید گشت!

لیبرال۲۲۰ فصل۳ سخن۲۲

من ماری هستم که به دوستانم دانش، لذت، شکوه و جلال می‌بخشم و قلب مردان را با مستی در می‌آمیزم. برای پرستش من شراب و داروهای عجیب و غریب را از من طلب کن و پیام‌بر باید مست از آن بشی! آن‌ها به هیچ‌وجه به شما آسیب نمی‌رسانند. این دروغ است، این حماقت علیه خود است. قرار گرفتن در معرض معصومیت یک دروغ است. قوی‌باش ای‌مرد! شهوت، از همه هوس‌اش لذت به‌بر. از این نترس که هیچ خدایی تو را به خاطر این امر نفی کند.